

# زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

(سحر)



برخیزید، دوزخیان زمین!  
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!  
عقل از دهانه آتشفشان خویش تندر وار می‌غرد  
اینک! فوران نهائیت این  
بساط گذشته بروبیم.  
به‌پا خیزید! خیل بردگان، به‌پا خیزید!  
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود  
هیچیم کنون، «همه» گردیم!  
نبرد نهائیت این  
به هم گرد آیم  
وفردا «بین الملل»  
طریق بشری خواهد شد.  
رهاننده برتری در کار نیست،  
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب،  
خود به رهایی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!

رستگاری مشترک را برپا داریم!  
تا راهزن آنچه را که ربوده رها کند،  
تا روح از بند رهایی یابد،  
خود به کوره خویش بردمیم  
و آهن را گرماگرم بکوبیم!  
نبرد نهائی ست این.  
به هم گرد آیم  
و فردا « بین الملل »  
طریق بشری خواهد شد.  
کارگران، برزگران!  
فرقه عظیم زحمتکشانیما  
جهان جز از آن آدمیان نیست  
مسکن بی‌مصرفان جای دیگری ست.  
تا کی از شیره جان ما بنوشند؟  
اما امروز و فردا،  
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند  
آفتاب جاودانه خواهد درخشید.  
نبرد نهائی ست این  
به هم گرد آیم  
و فردا « بین الملل »  
طریق بشری خواهد شد.  
(سرودی از اوژن پوتیه - برگردان احمد شاملو)

در بیست و سه جون هجده چهل و هشت بیش از چهل هزار کارگر در فرانسه به خیابان ریختند و سنگر بندی کردند. این اولین جنگ داخلی کارگران بر علیه ظلم و ستم بود. که با هدف عالی بدست گرفتن قدرت به نام تشکیل (جمهوری اجتماعی) بوده و به دنبال شعار غیر اقتصادی قرار داشت. اما بدلیل عدم اتحاد با بقیه فقرا و دیگر نیروهای انقلابی و کارگران جهان و ... پس از چهار روز مقاومت جانانه در مقابل یورش سرکوبگران، قیام آنها به خون کشیده شد. در سال هجده شصت و چهار با تشکیل انترناسیونال (کمینترن) اول کارگران اروپا اقدام به مبارزه متشکل و جهانی کردند .

صبح هجده مارچ هجده هفتادویک پاریس شاهد فریاد زنده باد کمون بود در آن روز کارگران پیروز شدند اولین حکومت کارگری ((که اکثریت قریب به اتفاق نفرات اول حکومت از میان کارگرانی بودند

که قبلاً "اعضا شوراهای کارگری بودند. (را که هفتادودو روز عمر داشت تشکیل داد) اردورا منحل کرد- جدایی دولت از کلیسا را اعلام نمود- تحصیلات رایگان اعلام کرد و کلیه جرایم مالی را لغو کرد و ... اما یورش مستقیم کشورهای قدرتمند اطراف فرانسه و کمک آنها به اردو (بازمانده اردو) فرانسه و تجهیزات آن امکان نفس کشیدن و رفع خطاها را نداد و پس از یک هفته مبارزه سخت و خونین در روز بیست و هشتم مه هجده هفتادویک کمون پاریس شکست خورد آخرین سنگر مقاومت کمون ها بر روی تپه ای به نام مون مارتر بود که پس از شکست کمون دشمنان کارگران به یادبود پیرویشان کلیسای فعلی مون مارتر را روی همان تپه بنا نهادند. تعداد بسیاری از کمونها در سنگر کشته شده بودند . و بقیه بیشترشان اعدام شدند و تعداد اندکی توانستند فرار کرده و در کشورهای دیگر تحت حمایت سازمان انترناسیونال قرار گیرند.

هنوز بر روی دیواری که در قبرستان پرلاشز پاریس که به دیوار کمون معروف است و محل اعدام دسته جمعی کمونها بوده جای گلوله دیده میشوند . در سالهای هجده هشتاد و بعد از آن اعتصابهای عمومی کارگری در کشورهای پیشرفته مانند آمریکا- فرانسه - آلمان - جاپان- روسیه و ... به صورت زنجیره ای رخ می داد و ادامه داشت. خواست مشترک کلیه اعتصابها، کاهش ساعت کار بدون کاهش دستمزد بوده است در سال هجده هشتادوچهار فدراسیون سندیکای صنعتی و تجاری که بعدها به فدراسیون آمریکایی کارتغییر نام داد کنگره ای تشکیل داده بود.

در این کنگره تصمیم گرفته شد برای دست یافتن به هشت ساعت کار در روز باید اول ماه مه ۱۸۸۶ دست به اعتراض عمومی به صورت متشکل زده شود. کارگران و سازمانهایی چون شوالیه های کار - سازمانهای سوسیالیستی و آنارشیستی که به این جنبش پیوستند . هجده ماه فرصت داشتند تدارکات لازم را برای اعتراض عمومی مهیا کنند. اول ماه مه ۱۸۸۶ فقط در آمریکا بیش از پنج هزار اعتصاب متشکل از صدها هزار کارگر شروع شد. همان روز اول پلیس میلوکی نو نفر از کارگران را کشت.

روز سوم در شیکاگو شش نفر را به قتل رساند . روز چهارم در پایان تظاهرات پولیس اقدام به کشتار کارگران کرد. و در توطئه از پیش طراحی شده (که بعدها اسناد بدست آمد که در محافل مهم دولتی و طراحان سرکوب کارگران این توطئه را برای بهانه قراردادن و استفاده تبلیغات جهت توجیه خشونت بی پایان خود طرح و اجرا نمودند.) بمبی توسط پولیس مخفی منفجر و نو نفر پولیس کشته شدند. در نتیجه به بهانه کشته شدن پولیسها سرکوب گسترده ای در سرتاسر آمریکا راه افتاد. دولت به دستگیری کلیه فعالان جنبش کارگری پرداخت. محافل سندیکایی- مورد تهاجم واقع شد. تعداد بیشماری دستگیر و بسیاری اعدام شدند .

پس از این واقعه، کارگران به این نتیجه رسیدند که دیگر نمی‌توان به همکاری کارگران و بورژوازی که در گذشته برای شکست دادن فئودالیسم مایع افتخار بوده است. پای بند بود و دلخوش کرد چون در حال حاضر دشمن اصلی که در مسند قدرت نشسته و تمام ثروت جهان را به تملک خصوصی درآورده است. همان بورژوازی است. به همین دلیل درکنگره پاریس که موسس انترناسیونال دوم بود و درسال هجده هشتادونو تشکیل گردیده بود. به مناسبت گرامی داشت قیام اول ماه مه ۱۸۸۶ این روز را روز همبستگی بین المللی کارگران (روز جهانی کارگر) اعلام کرد. بعد از آن با تمام مخالفت‌های سرمایه داری در تمام جهان این روز را انقلابیون، بخصوص کارگران جشن می‌گیرند. یا در چنین روزی اعتراضات خود را بیشتر به نمایش می‌گذارند.

**اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می‌کشند، خیابانها را به تسخیر نموده و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و بر پائی دنیائی بهتر را فریاد میزنند.**

اول ماه مه و تلاش طبقه کارگر برای ابراز وجود در این روز، اما از همان آغاز، با واکنش خشونت آمیز و سرکوبگرانه نظام‌های سرمایه‌داری روبرو گردید. نظام‌های فاسد با توسل به قهر و سرکوب کوشید از برگزاری مراسم اول ماه مه جلوگیری نماید. سال‌های بعد از آن نیز، بورژوازی از مقابله خشونت‌آمیز با جنبش همبستگی بین‌المللی کارگران دست برداشت و خون‌دها و صدها کارگر را بر زمین ریخت. اما کارگران نیز در مقیاس جهانی به مبارزه خود، پیگیرانه ادامه دادند و به رغم سرکوب و مخالفت سرمایه‌داران و دولت‌ها، روز اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگر به ثبت رساندند. به هر رو، از آن تاریخ به بعد است که کارگران در سراسر جهان روز اول ماه مه را به عنوان روز کارگر در شکل‌های مختلفی جشن می‌گیرند، اتحاد، همبستگی، هم‌سرنوشتی و قدرت خویش را در برابر دنیای ظلم و ستم و استثمار به نمایش می‌گذارند و ناقوس مرگ نظام سرمایه‌داری را به صدا می‌آورند.

**هر قدر جبهه کار در تقویت خود بکوشد و از خرد آغاز کند، به همان نسبت آسان تر و صیقل یافته تر به جبهه سیستم آینده سوسیالیستی خواهد رسید.**

اول ماه مه روز جهانی کارگر چرا از اهمیت مهم برخوردار است زیرا پرولتاریا رهبری کننده همه طبقات است. سرمایه داری با وجود پرولتاریا سرپاست، اما رابطه این نظام با پرولتاریا خصمانه و آشتی ناپذیر و مبتنی بر استثمار است. رهایی از شر نظام سرمایه‌داری زمانی امکان پذیر است که پرولتاریا پیشاهنگ این مبارزه باشد. اما خواستن فقط ملاک نیست و آگاه شدن به نقش، جایگاه و قدرتی که در پرولتاریا موجود است، برای همه و به خصوص خود آنها تعیین کننده است. تجارب

کمون پاریس، انقلاب کبیراکتبر و انقلابات دیگری جهانی نشان داد که رهایی از این نظام و تغییر در جامعه علیرغم شکست ها و عقب گردهای این انقلابات امری امکان پذیر است.

پرولتاریا یک طبقه جهانیست چون در مرکز روابط تولیدی قرار گرفته که جهان را به هم مرتبط و متصل کرده است. طبقه ای که با رشد نظام سرمایه داری روز به روز گسترده تر می شود و زنجیر های استثمارش محکم و محکم تر می گردد. پنجه های سرمایه داری خونین تر و عمیق تر از قبل بر گوشت و پوست این طبقه فرو می رود. این امر در عین حال زمینه های مادی انترناسیونالیسم و هم سرنوشتی این طبقه در چارگوشه جهان را پر رنگ تر می کند.

چرا طبقه کارگر را به عنوان طبقه ای پیشتاز معرفی می کنند زیرا که رهبری انقلاب با اوست. انقلابی که دگرگون کننده سرمایه داری به عنوان نظام استثمار کننده انسانهاست. انقلاب به معنای واقعی آن. یعنی دگرگونی. موقعیت عینی پرولتاریاست که نیاز به دگرگونی را پدید می آورد، زیرا که منفعت اش در عوض کردن این روابط تولیدی است. پرولتاریا تنها طبقه ای است که تنها خواسته های خود را مطرح نمی کند. بلکه همه جامعه را مد نظر دارد و رهایی اش با رهایی بشریت میدانند.

تنها انقلاب که کارگران و زحمتکشان رهبری آن را به دست گرفته باشد می تواند سرنگونی رژیم های فاسد سرمایه داری را مساعد و تحقق خواسته های مردم ستمدیده را تضمین کند. تنها حضور مادی طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه است که به آلترناتیف سوسیالیسم و انقلاب کارگری اعتبار و مقبولیت اجتماعی و توده ای می بخشد. با حضور قدرتمند طبقه کارگر در صحنه مبارزه سیاسی است که توده های ستمدیده در ابعاد وسیع به سوسیالیسم و انقلاب کارگری به عنوان تنها آلترناتیفی که می تواند پیشروی جنبش و سرنگونی دیکتاتوری و تحقق خواسته های مردم یک جامعه را تضمین کند.

**طنین اعتراض به نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد.**

برای رهایی از ظلم نظام گندیده سرمایه داری و جلوگیری از جنگهای خونین و غارتگرانه و نابودی سلاحهای اتمی و کشتار جمعی راهی بجز انقلاب رهایی بخش موجود نیست. نفی عنصر قهر و منع توده های لگد کوب شده از قیام و انقلاب بر علیه توحش و بربریت جهان سرمایه، به معنی تأیید اوضاع اسفبار کنونی و جبهه سائی درمقابل آن است و بی تردید چنین امری فاصله عمیق بین محافل گوناگون رفرمیستی رویزیونیستی و مارکسیسم-لنینیسم را بنمایش می گذارد.

کارگران و زحمتکشان جهان تنها از طریق اتحاد و پیکارهای بی امان بر علیه سرمایه داری جهانی و تنها از طریق انقلاب قادرند قدرت سیاسی را به کف گرفته و آینده تابناک بشری را با دستان پرتوان خود رقم زنند. این راه رهایی بشریت و راه تحقق حقوق بشر برای همه کارگران و زحمتکشان است.

تشکلات مستقل کارگري دریک جامعه در اتکاء به نیروی خود، همزمان با تمامی دیگر تشکلات مستقل جامعه در ارتباطی ارگانیک و تنگاتنگ و داوطلبانه قرار میگیرد و این ارتباط منجر به تغییر و دگرگونی حیاتی در نظام های فاسد و زمینه سقوط دیکتاتوری را مساعد میسازد.

روز جهانی کارگر، و درس هایی که طبقه کارگر با خون خود به یادگار گذاشته است، یگانه راه نجات جامعه را نشان می دهد. سال ها است که کارگران با بلند کردن پرچم سرخ خود و با جوش و خروشی در گستره ی اکثریت مردم کره زمین، رهایی انسان زحمتکش را زیوغ نظام سرمایداري، به بانگ بلند فریاد می کشند.

تضاد بین کار و سرمایه از ابتدای وجودی خویش کانون های دفاع اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - فرهنگی خود را بوجود میآورد و بسته به قدرت طرفین، این کانون ها نمای بیرونی می یابند. این کانون ها در بطن خود به مبارزه دائمی مشغول هستند. ولی از آنجاییکه تاکنون جبهه سرمایه قوی تر بوده است، توانسته است موانعی در راه جبهه کار و زحمت بوجود آورد. و جبهه کار مجبور گشته است که برای هر درخواست خود، با جبهه سرمایه بجنگد و گاهی هم این مبارزه خونین بوده است.

پی نوشتها:

نشریه - سازمان فدائیان (اقلیت) - نشریه - ظفر سرخ - طومار تقاضای آزادی تشکل کارگری (صفار ساعد).

گر تو دو روزی ندهی تن به کار  
یکسره نابود شود روز گار.

۲۹ اپریل ۲۰۱۰

**توجه!**

کپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©Esalat

[www.esalat.org](http://www.esalat.org)